



مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی

Institute of Strategic Studies
and Defence Diplomacy (ISSDD)

ترجمان نظر

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی

آیا آمریکا می‌تواند در جنگ جهانی جدید پیروز شود؟
ملزومات لازم برای شکست توأمان چین و روسیه چه هستند؟

آبان ماه ۱۴۰۱ • شماره هفتم

مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
وابسته به امور بین‌الملل ودجا

Institute of Strategic Studies and Defence Diplomacy (ISSDD)



آیا آمریکا می‌تواند در جنگ جهانی جدید پیروز شود؟ ملزومات لازم برای شکست توأمان چین و روسیه چه هستند؟

آبان ماه ۱۴۰۱ • شماره هفتم

موسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
وابسته به امور بین‌الملل و دجا

مترجم: ندا خنده‌رو



خلاصه مدیریتی

وب سایت فارین اففرز در گزارشی به قلم توماس جی. ماهنکن با توجه به تحولات دوره اخیر و پیش‌بینی تحولات آینده نزدیک، احتمال جنگ همزمان آمریکا با چین و روسیه را قریب‌الوقوع مطرح کرده و خاطرنشان ساخته است طرح‌های دفاعی کشور با چالش موجود تناسبی ندارد. از این رو اگر آمریکا در شرایطی قرار بگیرد که ناچار به جنگ در دو جبهه در شرق اروپا و اقیانوس آرام شود، با دو جنگ طولانی و فرسایشی مواجه خواهد شد.

گزارش با تأکید بر ضرورت ایجاد منابع عمقی مهمات، زرادخانه‌ای از تجهیزات دارای کیفیت بالا و فناوری‌های زرمی خلاقانه به‌عنوان فاکتورهای لازم برای پیروزی آمریکا، به ملزومات هر یک از این حوزه‌ها پرداخته است:

- ۱- گسترش و تعمیق پایه‌های صنعت دفاعی؛
- ۲- توسعه مفاهیم عملیاتی مشترک جدید؛
- ۳- هماهنگی و برنامه‌ریزی با متحدان به دلیل نقشی ضروری و احتمالاً تعیین‌کننده آن‌ها؛
- ۴- افزایش سرعت تولیدات دفاعی؛
- ۵- تصویب قانونی که حداقل سطح عرضه مهمات را تعیین کند؛
- ۶- تخصیص بودجه‌ای جهت پر کردن خودکار ذخایر تسلیحاتی؛
- ۷- ادغام و یکپارچگی سیستم‌های سرنشین دار و بدون سرنشین آمریکا؛
- ۸- مفاهیم جدید عملیاتی در حوزه اعزام، بسیج و حفظ نیروها؛
- ۹- گسترش راهبردها به‌ویژه در مورد ساختار نظامی و عملیات‌ها و فاصله گرفتن از طرح‌های نظامی دهه‌های اخیر؛
- ۱۰- ایجاد یک ساختار فرماندهی فاقد مرزبندی‌های جغرافیایی.

متکی بر این گزارش ضعف‌های آمریکا عبارتند از:

- ۱- محدودیت ذخایر تسلیحاتی و پایه‌های صنعتی؛
 - ۲- خالی شدن زرادخانه سلاح‌ها و مهمات به دلیل عرضه به اوکراین؛
 - ۳- سرعت پایین در احیای سلاح‌های مصرف شده؛
 - ۴- فرسودگی ساختار دفاعی؛
 - ۵- ضعف در حوزه سلاح‌های دور برد و موشک‌های ضدکشتی
- در ادامه تأکید شده است در سناریو دو جبهه همزمان این فرض مطرح می‌شود که چین با توجه به تمرکز آمریکا بر اروپا، به تایوان حمل خواهد کرد و از سوی دیگر با تمرکز آمریکا و متحدانش به جنگ چین و تایوان مسکو می‌تواند به دیگر نقاط اروپا حمله کند. برنامه‌ریزی برای چنین درگیری‌ای نیاز به دقت در توالی و ترتیب عملیات و اقدامات نظامی دارد بر این اساس توصیه شده است که امروز آمریکا باید به آسیا توجه داشته باشد. همچنین فرضیه وقوع تکرار حملات هسته‌ای تقویت گشته است.

آیا آمریکا می‌تواند در جنگ جهانی جدید پیروز شود؟

ملزومات لازم برای شکست توأمان چین و روسیه چه هستند؟

■ اشاره

از منظر روابط بین‌الملل سال ۲۰۲۲ میلادی، سال پرخطری به شمار می‌رود. در دو ماه نخست این سال روسیه، در چارچوب عملیات ویژه هزاران تن از نیروهای خود را در مرزهای اوکراین مستقر کرد. در اواخر دومین ماه سال، مسکو عملیات ویژه علیه اوکراین را آغاز نمود. در همین زمان، چین بر رویکرد تخصصی خود علیه واشنگتن، به‌ویژه در حوزه تایوان افزود. پس از سفر نانسی پلوسی به تایوان در ماه آگوست، پکن با برگزاری رزمایش نظامی گسترده قدرت خود در محاصره و حمله به جزیره تایوان را نشان داد. در مقابل، واشنگتن در صدد شناسایی راه‌های تجهیز و پشتیبانی سریع از دولت تایوان برآمد.

آمریکا از این موضوع آگاه است که چین و روسیه تهدیدی جدی علیه نظم جهانی به شمار می‌روند. کاخ سفید در آخرین سند راهبرد امنیت ملی خود که به‌تازگی منتشر شده است، تأکید می‌کند: "جمهوری خلق چین و روسیه در حال تقویت هماهنگی‌ها با یکدیگر هستند." بخش قابل توجهی از این سند به تشریح روش‌های پیش روی آمریکا برای محدودسازی پیشرفت این دو کشور پرداخته است. با توجه به توانمندی‌های کی‌یف و مسکو در تداوم نبرد و اهداف متناقض این دو، واشنگتن پیش‌بینی می‌کند که عملیات ویژه مسکو در اوکراین نبردی طولانی‌مدت خواهد بود و می‌تواند به تشدید تنش منجر شود که به‌ناچار آمریکا را نیز مستقیماً درگیر کند (این حقیقت که تهدید هسته‌ای ولادیمیر پوتین در حال آشکار شدن است). همچنین واشنگتن پیش‌بینی می‌کند که شی جین پینگ که در اکتبر سال جاری میلادی با انتصاب در بیستمین کنگره حزب ملی چین، سومین دوره ریاست جمهوری خود را آغاز کرده است، در صدد تسخیر تایوان برآید. در این صورت، آمریکا هم‌زمان در دو جبهه در مقابل چین و روسیه وارد جنگ خواهد شد.

با این همه علی‌رغم تمرکز واشنگتن بر هر دو جبهه، طرح‌های دفاعی کشور با چالش موجود تناسبی ندارد. در سال ۲۰۱۵ میلادی، وزارت دفاع آمریکا سیاست خود در خصوص آمادگی برای جنگ و پیروزی در دو جبهه به‌صورت هم‌زمان را رها کرده و بر دستیابی به روش‌ها و تجهیزات لازم برای جنگ و پیروزی در یک جبهه متمرکز شد. این تغییر سیاست که تاکنون به قوت

خود باقی بوده است، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تجهیزات نظامی آمریکا در حال فرسوده شدن هستند. همچنین منابع تجهیزات و مهمات کشور محدود گشته‌اند، به نحوی که آمریکا برای حمایت از اوکراین ناچار به کاهش زرادخانه خود گشته است. این مشکلات به‌ویژه در درگیری‌های هم‌زمان آزاردهنده خواهند بود؛ به عبارت دیگر اگر آمریکا در شرایطی قرار بگیرد که ناچار به جنگ در دو جبهه در شرق اروپا و اقیانوس آرام باشد، با دو جنگ طولانی مواجه خواهد شد. منافع روزافزون و ردپای جهانی چین این ایده را تقویت می‌کند که جنگ با پکن محدود به تایوان و غرب اقیانوس آرام نخواهد بود و به میادین رزم بسیار -از اقیانوس هند گرفته تا خود آمریکا- کشیده خواهد شد. احتمالاً چین برای تضعیف قدرت نظامی آمریکا حملات سایبری یا حتی موشکی را بر علیه سرزمین اصلی آمریکا صورت خواهد داد. ایالات متحده برای پیروزی در چنین جنگ‌هایی به ایجاد منابع عمقی مهمات، زرادخانه‌ای از تجهیزات دارای کیفیت بالا و فناوری‌های زرمی خلاقانه نیاز خواهد داشت.

بنابراین لازم است که واشنگتن سریعاً اقدام کند. سیاست‌گذاران آمریکایی باید دست به کار شده و اقدامات لازم را برای گسترش و تعمیق پایه‌های صنعت دفاعی کشور آغاز کنند. در این راستا توسعه مفاهیم عملیاتی مشترک جدید ضرورت می‌یابد، اعم از روش‌های استفاده از نیروهای مسلح در حل مسائل نظامی حاد، نظیر روش‌های حفظ نیروها در مواجهه با توانمندی‌های نظامی در حال تقویت چین و روش‌های دفاع از فضا ماوراء جو و شبکه‌های سایبری ایالات متحده آمریکا در برابر حملات. احتمالاً چین به‌طور جدی بر کانتورهای راهبردی یک جنگ در میادین رزم متعدد از جمله اینکه کجا و چه زمانی بیشترین توجه نظامی ایالات متحده را جلب کند، متمرکز خواهد شد. لذا هماهنگی و برنامه‌ریزی با متحدان -که نقشی ضروری و احتمالاً تعیین‌کننده دارند- برای موفقیت در یک درگیری نظامی جهانی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

■ احیای زرادخانه

از برخی جهات می‌توان گفت که آمریکا و متحدانش در صورت جنگ هم‌زمان در آسیا و اروپا دارای مزایایی هستند. جنگ

برای استفاده بهینه از صنعت تولید موجود ضرورت می‌یابد. برای مثال نیروی دریایی به‌سادگی نمی‌تواند تولید ناوهای هواپیمابر را تسريع کند، بلکه باید درصدد گسترش اثربخشی کشتی‌های موجود از طریق تجهیز آن‌ها به هواپیماهای بهتر باشد. از سوی دیگر نیروی هوایی همیشه قادر به تسريع در ساخت هواپیما نیست، بلکه می‌تواند با تطبیق آن‌ها با سیستم‌های بدون سرنشین پیشرفته و ... بر اثربخشی آن‌ها بیافزاید. با ادغام و یکپارچگی سیستم‌های سرنشین دار و بدون سرنشین آمریکا می‌تواند اثربخشی ناوگان هوایی آمریکا را چند برابر کرده و از ضعف آن در درگیری‌های آینده بکاهد.

روش نهایی همکاری با متحدان به‌منظور افزایش تولیدات نظامی و حجم انبار مهمات و تسلیحات است. لازم است این کشورها مهمات کافی در اختیار داشته باشند تا بتوانند بدون آنکه آمریکا از حجم سلاح‌های خود بکاهد، در نبردها و درگیری‌ها مشارکت داشته باشند. برخی متحدان آمریکا مثل استرالیا، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در این زمینه کرده‌اند؛ این در حالی است که کشورهایی مثل ژاپن با موانع جدی در این زمینه مواجه‌اند.

تنظیمات ساختاری

سلاح و مهمات فقط بخشی از جنگ است. آمریکا برای آنکه در مبارزه با چین و روسیه پیروز شود باید به فنون جنگی جدیدی دست یابد. این به معنای مفاهیم جدید عملیاتی است که بر گزینه‌های در اختیار آمریکا افزوده و در عین حال چین، روسیه و دیگر بازیگران را محدود می‌کند. وزارت دفاع برای ارتقاء روش‌های جنگی به خلق ایده‌ها از طریق طوفان فکری نیاز دارد که توسط مقامات و مسئولان ارشد نظارت و پشتیبانی می‌شود. پنتاگون به مفاهیم جدید در حوزه اعزام، بسیج و حفظ نیروها علیه سامانه‌های تهاجمی دقیق دشمن، تأمین تجهیزات به نیروها در حین عملیات، پشتیبانی از پایگاه‌های حیاتی داخلی و خارجی نیاز دارد. در این حوزه نیز آمریکا به همکاری با شرکا بر رویکردهای نوین بازدارندگی نیاز دارد. برای مثال در زمینه مشارکت ایندوپاسفیک برای هشدار دریایی به همکاری با متحدان برای بهره‌گیری از قدرت سیستم‌های بدون سرنشین در شناسایی، بازدارندگی و حمله نیاز است.

با توسعه فنون رزمی جدید، گسترش راهبردها به‌ویژه در مورد ساختار نظامی و عملیات‌ها ضرورت می‌یابد. این به معنای فاصله گرفتن از طرح‌های نظامی دهه‌های اخیر است. همان‌طور که اشاره شد جنگ با چین به‌سادگی می‌تواند از شرق آسیا به اقیانوس هند،

اوکراین نشان داده است که تسلیحات مدرن و دقیق ساخت آمریکا بسیار مؤثر بوده و از منظر کیفی سلاح‌ها و مهمات غربی همچنان از مزیت برتری برخوردار هستند.

اما آمریکا باید این سلاح‌ها را هم به نیروهای مسلح خود و هم به نیروهای مسلح کشورهای دوست و متحدش عرضه کند، حال آنکه ذخایر تسلیحاتی آمریکا و پایه‌های صنعتی آن محدود بوده و احیای زرادخانه سلاح‌ها و مهمات ارسال شده به اوکراین سال‌ها زمان خواهد برد.

در سال ۲۰۱۸ میلادی کمیسیون راهبرد دفاع ملی آمریکا هشدار داد که این کشور مهمات کافی برای پیروزی در یک درگیری پرشدت را نداشته و به گسترش تولید نیاز دارد. در این گزارش تأکید شد واشنگتن برای تسريع در تولید مهمات و سلاح‌ها باید ساختار دفاعی خود را مدرن سازد.

لازم است که وزارت دفاع آمریکا نگاهی فرای اوکراین داشته باشد. عملیات ویژه روسیه داده‌های ارزشمندی را در اختیار آمریکا قرار می‌دهد، اما اگر چین با یک عملیات نظامی علیه تایوان، آمریکا و متحدانش را به پاسخ متقابل وادارد، این کشورها وارد یک درگیری در دریا خواهند شد و الزامات متفاوتی خواهند داشت. این الزامات شامل ضرورت دسترسی به سلاح‌های دور برد و موشک‌های ضد کشتی می‌شود، حال آنکه آمریکا در این دو حوزه ضعف‌های جدی دارد. برای مثال تعداد موشک‌های دورایستای JASSM-ER و موشک‌های ضد کشتی LRASM موجود در زرادخانه آمریکا کمتر از تعداد موشک‌های موجود در صحنه نبرد اوکراین است.

لذا آمریکا باید توانمندی و سرعت تولیدات دفاعی خود را افزایش دهد. این روش در کوتاه‌مدت شامل ایجاد تغییراتی در کارخانه‌های موجود و در میان مدت شامل گسترش کارخانه‌ها و ایجاد خط تولیدهای جدید می‌شود. برای این اقدام لازم است که کنگره بودجه بیشتری را به این حوزه اختصاص دهد.

علاوه بر سرمایه‌گذاری ویژه در امر تولیدات دفاعی، لازم است که کنگره اقداماتی فرای سرمایه‌گذاری موقت انجام دهد. این اقدامات عبارتند از تصویب قانونی که حداقل سطح عرضه مهمات را تعیین کند، تخصیص بودجه‌ای جهت پر کردن خودکار ذخایر تسلیحاتی در زمانی که ایالات متحده و دوستانش این ذخایر را کاهش می‌دهند. ایجاد چنین سیستمی بسیار مهمتر از تضمین تأمین مهمات است. همچنین ایالات متحده به شرکت‌های جدیدی نیاز دارد که بتوانند مکمل سازندگان فعلی باشند و به کشور در امر نوسازی کمک کنند.

البته، آمریکا به دلایل مالی قادر به گسترش سریع تمامی بخش‌های صنعت دفاع نیست. از این رو بررسی خلاقانه روش‌هایی

این رو فرض وقوع تکرار حملات هسته‌ای جهان که از سال ۱۹۴۵ میلادی به این سو بی‌سابقه بوده، در حال تقویت شدن است.

درگیری بین چین و روسیه با ایالات متحده آمریکا و متحدانش القاکنده جنگ جهانی دوم است. عناصر متعددی در جهان امروز وجود دارد که به نظم بین‌المللی سال ۱۹۳۹ شباهت دارد. دو قدرت اقتدارگرا - چین و روسیه - بر اساس اهداف مشترک جهت ترسیم مجدد نقشه سیاسی جهان اتحادی سست را تشکیل داده‌اند. روسیه در تلاش برای تسخیر بخش‌هایی از اروپا است که سایر بخش‌های قاره را وارد جنگ می‌کند. افزایش جنگ‌طلبی چین در قبال تایوان القاکنده بازگشت جنگ و فتح به آسیا است. ایالات متحده آمریکا و متحدانش باید برای چگونگی پیروزی همزمان در جنگ‌های آسیا و اروپا برنامه‌ریزی کنند، هر چند چنین جنگی چشم‌انداز چندان مطلوبی نخواهد داشت.

مؤلفه‌های موفقیت در چنین جنگی شامل بسیج علم، فناوری و صنعت آمریکا و همچنین توسعه روش‌ها و فنون جدید جنگی است. ایالات متحده در بخش دفاعی و اقتصادی دارای ذخایر عظیمی است و می‌تواند مجدداً به قدرت دست بالا در عرصه صنعت تبدیل شود.

یک مزیت اصلی آمریکا که از جنگ جهانی دوم همراه آن بوده اتحادهایش است. برخلاف چین و روسیه، ایالات متحده آمریکا روابط نزدیکی با بسیاری از قوی‌ترین ارتش‌ها و نیز اقتصادهای زنده جهان دارد. بر واشنگتن لازم و ضروری است که با شرکای خود در همه‌چیز از تحقیقات دفاعی گرفته تا برنامه‌ریزی عملیاتی همکاری نزدیک‌تری داشته باشد.

محل اتصال به منابع انرژی در جنوب غرب آسیا، حتی خلیج فارس و جیبوتی کشیده شود. متکی بر این سناریو آمریکا بر خود لازم می‌داند از یک ساختار فرماندهی فاقد مرزبندی‌های جغرافیایی بهره گیرد.

ترتیب عملیات

با این اوصاف، مادامی که راهبردنویسان دفاعی درگیری همزمان با چین و روسیه را مطرح می‌کنند، لازم است چگونگی اولویت‌بندی اقدامات نظامی آمریکا با توجه به تهدیدات نسبی میادین رزم مربوطه در آسیا و اروپا جغرافیای میادین رزم و متحدان آمریکا در هر یک از این دو منطقه شناسایی و تعیین شوند.

در سناریو دو جبهه همزمان این فرض مطرح می‌شود که چین با توجه به تمرکز آمریکا بر اروپا، به تایوان حمل خواهد کرد؛ از سوی دیگر با تمرکز آمریکا و متحدانش به جنگ چین - تایوان مسکو می‌تواند به دیگر نقاط اروپا حمله کند. برنامه‌ریزی برای چنین درگیری‌ای نیاز به دقت در توالی و ترتیب عملیات و اقدامات نظامی دارد. امروز آمریکا باید به آسیا توجه داشته باشد. اگرچه جنگ در اوکراین به حمایت آمریکا نیاز داشت اما محدودیت‌های قدرت نظامی روسیه و همچنین اثربخشی اقدامات هماهنگ ناتو را آشکار کرد. اما وضعیت در غرب اقیانوس آرام متفاوت است. ارتش چین در مقایسه با روسیه قدرتمندتر و تهدید آن علیه نظم منطقه‌ای حاکم به مراتب جدی‌تر است. عدم وجود سازمانی مشابه ناتو در این منطقه از دیگر نقاطضعفی است که موجب تحدید توانمندی‌ها می‌شود لذا واشنگتن تنها گزینه‌ای است که به توانمندی‌هایی نظیر بازدارندگی هسته‌ای، قابلیت‌های دریایی، هوایی و فضایی و همچنین پشتیبانی لجستیک دسترسی دارد. واشنگتن باید با تایوان و احتمالاً سایر کشورهای متحد خود در منطقه همکاری کند. این مستلزم عملیات دور از کرانه در مناطقی مانند گوام و همچنین خاک کشورهای متحد همچون ژاپن است؛ بنابراین آمریکا موظف به محافظت از منافع خود و متحدانش در غرب اقیانوس آرام و فراتر از آن و همچنین شبکه‌های کامپیوتری و ماهواره‌ای است و چنین روندی ممکن است ماه‌ها طول بکشد.

چنین جنگی بسیار مخاطره‌انگیز خواهد بود، زیرا تهدید هسته‌ای چین، روسیه و ایالات متحده بر این جنگ سایه خواهد افکند. سه قدرت باید خطوط قرمزی را تعیین کنند تا از تشدید درگیری به آستانه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری شود. با انجام این کار، جنگ ممکن است طولانی‌تر شود اما احتمالاً آسیب کمتری به بار خواهد آورد؛ اما وجود زرادخانه‌های هسته‌ای خطر تشدید تنش را نیز به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. از



مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
Institute of strategic studies
and defence diplomacy (ISSDD)

آدرس: تهران / سید خندان / خیابان شهید کابلی (دبستان)
ساختمان ولی امر (عج) / طبقه دهم / انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی و دیپلماسی دفاعی
۰۲۱-۸۸۴۶۹۳۲۶ - info@issdd.ir